

انتقال هنرهای صناعی^۱ سرزمین‌های اسلامی از قرن چهارم ه.ق به اروپای غربی در قرن دهم میلادی^۲

ابوالقاسم دادور*
پدیده عادلوند**

چکیده

سرزمین‌های اروپایی در قرون وسطی از جمله در قرن دهم میلادی قربانی بربریت، جنگ‌ها، غارتگری‌ها و رقابت‌های شوالیه‌ها و طبقه اشراف بودند و از امنیتی نسبی برخوردار نبودند. ایشان همواره سعی داشتند با تشکیل دولت‌هایی مستقل و جنبش‌های دهقانی به دنبال ایستادگی در برابر مهاجمان و شکست آنها از وضعیتی پایدارتر برخوردار شوند. مورخان از قرن دهم به آخرین دوره از «عصر فترت» یاد می‌کنند. در این قرون اروپا به لحاظ اقتصادی، سیاسی، دینی و اجتماعی، و وضعیت علمی و فرهنگی در شرایط نامطلوبی به سر می‌برد. این درحالی است که سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری دوره رنسانس و شکوفایی خود را می‌گذراندند؛ عصری که مسلمانان در تمامی حوزه‌های تمدن (همچون علم، فرهنگ، صنعت و هنر) پرآوازه و صاحب‌نظر بودند. پژوهشگران بی‌غرض حوزه تاریخ تمدن به ویژه تاریخ اسلام و اروپا همگی بر تأثیر دستاوردهای مسلمانان بر اروپا در حوزه‌های مختلف از جمله هنر در قرن چهارم هجری تأکید می‌ورزند. با این پیش‌زمینه مقاله پیش‌رو به دنبال ردیابی مصنوعات هنری در آثار موزه‌ای و کتب منتشره در دو حوزه تاریخ تمدن و تاریخ هنر با مسئله فقدان آثار تولیدشده توسط هنرمندان اروپایی قرن دهم میلادی با تأثیرپذیری از هنر اسلامی قرن چهارم هجری مواجه شد. به دنبال پاسخگویی به این مسئله فرضیه مطرح‌شده در طول مقاله تقویت شد که آثار اسلامی قرن چهارم هجری از طریق بازرگانی و هدایای خلفای اسلامی به پادشاهان، اشراف و شوالیه‌ها به اروپا در قرن دهم میلادی منتقل شده است و هنرمندان اروپایی با توجه به شرایط نابسامان آن دوران تنها دریافت‌کننده و سفارش‌دهنده آثار بودند و به تولید آثار با بهره‌گیری از ویژگی‌های اسلامی اهتمام نورزیدند.

واژگان کلیدی

هنر اسلامی قرن چهارم هجری، اروپای قرن دهم میلادی، انتقال آثار اسلامی، هدایا و بازرگانی.

*. دکتری تاریخ تمدن، دانشیار دانشگاه الزهراء ghadavar@yahoo.com

**پژوهشگر دکتری پژوهش هنر، دانشگاه الزهراء، عضو هیئت علمی مرکز پژوهشی نظر. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۲۱۵۱۴۰۵
padideh_adelvand@yahoo.com

مقدمه

موجود و صدور برخی محصولات به غرب بسنده می‌کند و نحوه انتقال و تأثیرگذاری انواع هنر را دربر نمی‌گیرد. در خصوص تأثیر هنر و تمدن اسلامی بر اروپای قرون وسطی که قرن دهم میلادی را نیز شامل می‌شود منابع متعددی از جمله کتاب «تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی» نوشته مونتگومری وات (۱۳۷۸) از صدور دستاوردهای مسلمانان به اروپای قرون وسطی سخن می‌راند ولی در این کتاب مشخصاً در خصوص نحوه تأثیرات آثار هنری سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم بر آثار هنری اروپا در این زمان سخنی به میان نیامده است.

محمد فنایی اشکوری (۱۳۸۹) در مقاله «نگاهی گذرا به نقش اسلام در تمدن غربی» یکی از عوامل شکل‌گیری تمدن جدید غربی، به ویژه در ابعاد فلسفی، علمی و صنعتی را تأثیر غیر قابل انکار اسلام و تمدن اسلامی می‌داند. همچنین معتقد است اشتراکات بنیادی بین ادیان آنها (یهودیت، مسیحیت و اسلام) و ریشه‌های فلسفی مشترک بین اسلام و غرب (هر دو ریشه در تمدن یونان دارند) و حضور عناصر یونانی و توحیدی برگرفته از ادیان الهی در فلسفه اسلامی و غربی راه را برای تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی بر غرب در قرون وسطا هموار کرد. علم‌آموزی بسیاری از محققان غربی در سرزمین‌های اسلامی و نزد عالمان مسلمان، آمیزش مسلمانان و مسیحیان، ترجمه آثار اسلامی از عربی به لاتین و تجارت را شیوه‌های گوناگونی می‌داند که علم و فرهنگ اسلامی از طریق آنها وارد دنیای غرب شد و اروپا را دچار تحولی عمیق و دوران‌ساز کرد. ایناس حسنی^۳ (۱۳۸۹) نیز در مقاله «راه‌های انتقال و تأثیر هنر اسلامی در اروپا» معتقد است تمدن اسلامی از اواخر قرن یازدهم میلادی راه خویش را به غرب اروپا از طریق این سه راه عمده باز کرد؛ اول: اندلس، دوم: سیسیل و سوم: سرزمین‌های خاور نزدیک و جنگ‌های صلیبی که با بررسی این راه‌ها اهمیت آنها را در پیوند تمدنی جهان اسلام با اروپای غربی نشان می‌دهد. به طور کلی این مقالات به راه‌های انتقال علم و تمدن اسلامی به اروپا اشاره می‌کنند ولی در خصوص آثار هنری و انتقال و تأثیرگذاری آنها به ویژه در قرون مورد مطالعه این تحقیق سخنی به میان نمی‌آورند.

در مقابل با بررسی کتب مرجع تاریخ هنر از جمله «هنر در گذر زمان» نوشته هلن گاردنر (۱۳۸۴) و «تاریخ هنر» نوشته ه. و. جنسن (۱۳۵۹) متوجه می‌شویم این کتب تنها به توصیف آثار هنری شاخص به ویژه معماری هر دوره پرداخته‌اند. در خصوص قرن دهم میلادی نیز نمونه‌ها در هر دو کتاب مشابه بوده و در هیچ‌کدام از تأثیر اسلام بر هنر غرب سخنی به میان نیامده است و نویسندگان تنها به توصیف طرح و نقش و تکنیک‌ها بسنده کرده‌اند. در کتاب «تأثیر هنرهای اسلامی در تحول هنر اروپا» که مجموعه‌ای تصویری از انتشارات یساوی (۱۳۷۱) است تنها به گردآوری نقوش پرداخته و تحلیلی مقایسه‌ای بر اثبات این

تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری در اوج شکوفایی به سر می‌برد به طوری که از آن به «رنسانس اسلامی» تعبیر می‌شود. قلمرو تمدن مذکور در این دوره تا حدی گسترده است که علاوه بر حکومت‌های اسلامی در سرزمین‌هایی چون ایران، مصر، عراق و آسیای مرکزی بخشی از سرزمین‌های غربی چون اسپانیا (اندلس) و جنوب ایتالیا (سیسیل) را نیز در برمی‌گیرد. در این قرن سرزمین‌ها از وضعیت بسیار مطلوب معیشتی برخوردارند و در حوزه‌های مختلف اعم از علم، ادب، فرهنگ، هنر و سیاست پیشرفته هستند. در مقابل از اروپای این زمان به «عصر فترت» تمدن غرب یاد می‌شود که آخرین سده از دوره اول قرون وسطی است. در این دوران اروپا در تقلائی یافتن راه حلی برای ثبات‌بخشی و آرام‌کردن نابسامانی‌های موجود است. اگرچه پژوهشگران بسیاری از تأثیر اسلام در قرن چهارم بر غرب سخن می‌گویند اما مسئله اصلی تحقیق این است که در همان سده با نمود این تأثیرپذیری‌ها در خلق صنایع هنری توسط صنعت‌کاران هنرمند غربی مواجه نمی‌شویم. از این‌رو از اهداف مقاله می‌توان به بررسی نحوه تأثیرگذاری هنر اسلامی در قرن چهارم بر اروپای غربی در همان قرن اشاره کرد و پاسخگویی به این پرسش اصلی که نبود آثار هنری اروپایی متأثر از ویژگی‌های هنر اسلامی در قرن دهم میلادی به چه دلیل است؟

فرضیه

به نظر می‌رسد آثار هنرمندان سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری که در کارگاه‌های سرزمین‌های اسلامی تولید شده از راه روابط بازرگانی و هدایا به اروپای قرن دهم میلادی منتقل و در گنجینه‌های مسیحی نگهداری می‌شده است و هنرمندان غربی در این قرن با توجه به نابسامانی شرایط جامعه از دستاوردهای مسلمانان در خلق آثار هنری تأثیر نمی‌پذیرند.

پیشینه تحقیق

جهان اسلام به طرق گوناگون اروپای قرون وسطی را تحت تأثیر قرار داده و این حقیقتی است که دانشمندان زیادی آن را بررسی و تأیید و حاصل مطالعات خود را در کتاب‌ها و مقالات متعددی منعکس کرده‌اند. در وهله اول پژوهش‌های تاریخی و هنری به تأثیر اسلام بر غرب در قرون اولیه به ویژه قرن چهارم اذعان دارند اما با تدقیق در آنها با کاستی‌هایی روبرو می‌شویم که بر ضرورت انجام چنین تحقیقی تأکید می‌ورزد: کتاب «تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری» نوشته آدام متز (۱۳۸۸) مطالعه جامعی است که اگرچه به وضعیت جنبه‌های مختلف تمدنی در قرن چهارم از جمله بررسی وضعیت سیاسی و نحوه اداره امور، مسایل مذهبی، معیشتی و اقتصادی می‌پردازد، اما در خصوص وضعیت هنرها در این قرن تنها به گزارشی از وضعیت صنایع

نه تنها در جهل و بربریت فرو رفته بود، بلکه از برخورد با تمدن اسلامی نیز واهمه داشت. سردمداران آنجا مردم را از قدرت سیاسی اسلام برحذر می‌داشتند. پژوهشگران متعددی مانند ژریرت اوریلای را که به مدارس مسلمان در اسپانیا راه یافته بودند، متهم می‌کردند به اینکه روح خود را به شیطان فروخته‌اند" (یعقوبی، ۱۳۸۰: ۴۲).

وضعیت امپراتوری اسلامی در قرن ۴ هجری

گستره امپراتوری سرزمین‌های اسلامی در قرن چهارم هجری بسیار وسیع است: "خاندان بویه بر فارس و ری و اصفهان و غرب ایران، محمدبن الیاس در کرمان، خاندان حمدان در موصل و دیار بکر و شمال بین‌النهرین، محمدبن طغج ملقب به اخشید در مصر و شام، فاطمیان در تونس و مراکش، عبدالرحمان اموی ملقب به ناصر در اندلس، ابوطاهر قرمطی در یمامه و بحرین، دیلمیان در طبرستان و گرگان، نصربن احمد سامانی در خراسان و آل برید در اهواز و واسط و بصره" (متز، ۱۳۸۸: ۱۳).

در این دوران با لقب "رئیس تمدن اسلامی" علوم، هنر و صنایع مختلف در اوج بلوغ به سر می‌برند. "در قرن چهارم هجری از طرفی شاهد تجزیه یکی از بزرگترین امپراتوری‌های قرون وسطی یعنی خلافت عباسی، و از طرفی ناظر تکوین و تکامل حکومت‌های محلی مقتدر در ممالک مختلف اسلامی هستیم. نتیجه امتزاج تمدن‌های قدیم و ظهور ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اندیشگی و عملی تمدن اسلامی در این قرن به نقطه اوج می‌رسد و نیازهای جدید اجتماعی، چاره‌گران و اندیشمندان را از سویی به احیای موارث قدیم و از طرفی به آفرینش طریقه‌های جدید در ادب و حکمت و سیاست و مملکت‌داری و آداب معیشت و جنگ و عمران می‌کشاند" (همان: ۹).

انتقال هنرهای صناعی اسلامی به اروپا

دانشمندانی چون «زیگرید هونکه»، «مونتگومری وات»، «گیپ»، «ماکس میرهوف» و «واشنگتن ارومینگ» همگی بر تأثیر تمدن اسلامی بر اندیشه، تفکر و تمدن غربی صحنه می‌گذارند. ایشان راه‌های انتقال دستاوردهای مسلمانان به اروپا را از جمله جنگ‌های صلیبی (حضور مسلمانان در اسپانیا و سیسیل و حضور اروپا در مشرق زمین) در قرن ۱۱ میلادی که از طریق آن جذب فرهنگ اسلامی شدند، نهضت ترجمه و تحقیق کتب علمی، سفرهای علمی و بازرگانی و حضور زنان اسیر مسلمان و گسترش اقوام مغرب اسلامی می‌دانند (کاشفی، ۱۳۸۴). اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد توافق جمعی ایشان بر انتقال این دستاوردها پس از قرن یازدهم میلادی است که در کتب و تحقیقات ایشان عمده تمرکزشان بر قرن یازدهم به بعد است. اما همچنین باید در نظر داشت در قرون پیشین به رغم جنگ و درگیری‌ها، تجارت و بازرگانی رایج بوده که بر مبنای گزارش مورخان، شماری از اقلام هنرهای صناعی از سرزمین‌های اسلامی و مراکز تولیدی آنها توسط تجار به اروپا وارد

تأثیرگذاری‌ها وجود ندارد به ویژه آنکه ناشر کتاب تنها درصدد تأکید بر جایگاه ایران در این تأثیرگذاری‌ها برآمده است. دیوید تالبوت رایس نیز در دو کتاب خود با عناوین «هنر بیزانس» و «هنر اسلامی» به ترتیب تنها از تأثیرات اسلام بر اروپا از قرون ۱۱ به بعد اشاره می‌کند و از تأثیرگذاری آن بر قرن دهم میلادی سخنی به میان نمی‌آورد. در کتاب دوم نیز ضمن بررسی تاریخی هنر سرزمین‌های اسلامی تنها نمونه‌هایی تصویری از هنر اسلامی در اروپا را طی قرون مختلف معرفی می‌کند. این کتاب به نحوه انتقال و چگونگی تأثیرگذاری آثار اسلامی بر هنر غرب اشاره‌ای ندارد.

به طور کلی منابعی که در زمینه تاریخ هنر (اسلام-غرب) مورد بررسی قرار گرفت تنها به توصیفات شکلی و نقوش و ویژگی‌های تکنیکی آثار در یک پژوهش تاریخی بسنده کرده‌اند و بررسی منشأ تولید آثار و نقش مایه‌ها را منحصر به ادوار شاخص می‌کنند؛ از این رو همه دوره‌ها را دربر نمی‌گیرند. در مقابل نیز منابعی که به تاریخ تمدن و بررسی تأثیرات بین تمدنی مربوط می‌شود وجه بررسی آثار هنری آنها مورد غفلت واقع شده و تنها راه‌های انتقال دستاوردهای مسلمانان به دنیای غرب معرفی شده است.

این مقاله به دنبال اثبات فرضیه مبنی بر اینکه هنرهای صناعی در قرن چهارم هجری تنها به عنوان یک کالای تجاری و هدیه به سرزمین‌های غرب وارد می‌شده قصد دارد ضمن تشریح چگونگی انتقال دستاوردهای هنری مسلمان در دوران مورد مطالعه، نمونه‌هایی از آثار منتقل شده را نیز به عنوان نمونه معرفی کند.

وضعیت اروپای غربی در قرن ۱۰ میلادی

اروپا در سراسر قرن دهم میلادی از سوی متجاوزان و بربرها مورد حملات و تهدید قرار می‌گرفت. اروپا در قرن ۱۰ از جمله از سوی مجارستانی‌های بربر مورد تجاوز قرار گرفت (لنگلی، ۱۳۹۰: ۷). در این دوران نظام فئودالیسم بر اروپای غربی حاکم بود و تلاش برای آزادی و رهایی از یوغ ارباب‌ها از مهمترین اقدامات به شمار می‌رفت.

"در جوامع اروپایی در سده‌های میانه خاصه سال‌های ۸۵۰ م. تا ۱۱۰۰ م، خشونت موج می‌زد و افراد به سختی می‌توانستند امنیت خود را حفظ کنند" (لوکاس، ۱۳۷۶: ۴۶۶). در مورد وضعیت اروپا در این قرن، مستشرق انگلیسی «لاین پول» می‌نویسد: "اگر به تاریخ گذشتگان ساکسون خود در قرن دهم نگاهی بیافکنیم می‌بینیم که پدران ما در آن تاریخ کوح‌نشین بوده و از پوست حیوانات و برگ درختان برای فرش استفاده می‌کردند و هنوز زبان ما تکامل امروز خود را نیافته بود، و خواندن و نوشتن منحصر به کشیشان و راهبان بود" (آل علی، ۱۳۷۰: ۴).

"در قرن نهم و دهم میلادی، همزمان با درخشش تمدن اسلامی در آندلس، مرکز علمی اروپا به شکل قلعه‌هایی بود که صاحبان آنها در حالت نیم‌وحشی به سر می‌برند و از اینکه دارای خط و سواد نبودند احساس غرور می‌کردند ... اروپا در قرن نهم و دهم میلادی

- یکی از فرماندهان موسوم به المنصور (۱۰۰۲-۹۸۰) به جنگجویان مسیحی تحت امرش ۲۲۸۵ قطعه تیراز^۶ در رنگ‌ها و طرح‌های گوناگون داد. وی علی‌رغم خصومت نسبت به حاکمان اسپانیایی شمال احترام زیادی برای حضرت مریم [قائل] بود، و پس از محاصره شهر لئون تعدادی طیلسان^۷ و آویزی که نشان خانوادگی‌اش را می‌نمایند به کلیسای آنجا تقدیم کرد" (رازبهوی، ۱۳۷۹: ۱۸۵). جان احمدی در کتاب «تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی» به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند: «طریق انتقال هنر با راه‌های نفوذ موضوعات علمی تمدن اسلامی به اروپا متفاوت بوده زیرا هنر دارای مفاهیم و تجلیاتی بود که در بسیاری از موارد نیازی به ترجمه و برگردان نداشت. به همین دلیل به طور مستقیم صنایع و مصنوعات و یا مضامین هنر اسلامی بدون کمترین دخل و تصرفی به اروپا منتقل شد. تجار، نخستین گروهی بودند که آثار هنری را به اروپا منتقل کردند" (جان احمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۸).
- "در ایامی که المنصور چنین هدایایی را پیشکش می‌کرد، مسیحیان اسپانیا از فن ابریشم‌بافی چندان بی‌خبر نبودند، چراکه جماعتی از بافندگان در سده دهم چرخ‌های خود را در والدساز واقع در لئون به کار انداخته بودند. اما اینان که از آندلس به این مکان پناهنده شده بودند به هیچ وجه نتوانستند چنان صنعتی را که با زنگیان مغرب رقابت کند رونق بخشند، زیرا که لباسی [که] مقامات کلیسا برای کفن و دفن می‌خواستند بلااستثنا از مصنوعات اسلامی بود" (همان: ۱۸۷).
- "از قرن چهارم ه. به بعد کار تاجرانی که کاغذ اسلامی را به همراه فنون ساخت آن به امپراتوری بیزانس و دیگر نواحی اروپای مسیحی صادر می‌کردند، پر رونق بود" (شارب، ۱۳۸۲: ۵).
- "مصنوعات عاجی شرقی در زمان فاطمیان [۱۱۷۱-۹۰۹] مانند گذشته در غرب خواستار زیادی داشت" (کونل، ۱۳۴۷: ۶۸).
- "نویسندگان مسلمان در قرن دهم میلادی در نوشته‌های خود از رابطه تجارتنی بندقیه [ونیز]، آمافی، پارمو و مسینا [چهار شهر ایتالیا] با مسلمانان شمال آفریقا خبر می‌دهند. کشتی‌های اعراب اسلامی که حامل پرده‌های ابریشمی گرانبیقیمت و پارچه‌هایی برای زینت کلیسا، پارچه‌های سیاهرنگ، جبه‌های بسیار زیبا به رنگ نیلی از شهر قیروان در تونس، از شوش واقع در خوزستان و جابس در تونس بودند، به طرف اروپا می‌راندند.
- اجناس ملل کشورهای اسلامی، راه شهرهای مونت کازینو [از شهرهای ایتالیا] را درپیش می‌گرفتند و در دیرها و کلیساهای شبه جزیره آپنین [در ایتالیا] جای می‌گرفتند که امروزه هنوز قابل رؤیتند" (همان: ۶۸).
- "در سال ۹۶۲، که نوردونوی چهارم پادشاه گالیسیا در قرطبه به دیدار سلطان حکم دوم رفت، خرقه سرخی آراسته به تزیینات و کمربندی از طلا مزین به یاقوت و مروارید به عنوان هدیه دریافت کرد" (رازبهوی، ۱۳۷۹: ۱۸۷).
- «ابراهیم ابن احمد طرطوشی» حاکم قرطبه در سال ۹۷۳م. در بازدیدش از ماینتس، شهری در اروپا، با سکه‌هایی روبه رو می‌شود که تاریخ ضرب ۳۰۱ و ۳۰۲ هجری دارند و می‌نویسد: "من حدس می‌زنم اینها سکه‌های نصرابن احمد سامانی است" (هونکه، ۱۳۷۰: ۴۸). "لباس‌های ابریشم و حریر که در آندلس تولید می‌شد در قرن دهم در اروپا شهرت فراوان داشت" (آل علی، ۱۳۷۰: ۲۵۸).

می‌شدند؛ "پیوندهای دینی و مناسبات تجاری میان آفریقای شمالی و بنادر مسیحی حوزه مدیترانه علی‌رغم جنگ‌ها و درگیری‌های پراکنده سده‌های نهم تا یازدهم، برقرار خویش استوار بودند" (رازبهوی، ۱۳۷۹: ۱۸۵). جان احمدی در کتاب «تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی» به نکته‌ای مهم اشاره می‌کند: «طریق انتقال هنر با راه‌های نفوذ موضوعات علمی تمدن اسلامی به اروپا متفاوت بوده زیرا هنر دارای مفاهیم و تجلیاتی بود که در بسیاری از موارد نیازی به ترجمه و برگردان نداشت. به همین دلیل به طور مستقیم صنایع و مصنوعات و یا مضامین هنر اسلامی بدون کمترین دخل و تصرفی به اروپا منتقل شد. تجار، نخستین گروهی بودند که آثار هنری را به اروپا منتقل کردند" (جان احمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۸).

هنرهای صناعی اسلامی قرن چهارم هجری در اروپای غربی قرن دهم میلادی

با توجه به مطالب پیشین مبنی بر بازرگانی هنرهای صناعی اسلامی و ورودشان به اروپا سعی شده از خلال گزارش‌های تاریخی، اسنادی ارایه شود که فرضیه مقاله مبنی بر حضور و انتقال آثار هنری اسلامی از قرن چهارم هجری به اروپا در قرن دهم میلادی را تقویت می‌نمایند. همچنین نکته مهم این است که نگارندگان از بررسی متون موجود با گزارشی مبنی بر تأثیرپذیری و خلق صنایع هنری برگرفته از الگوی اسلامی مواجه نشدند. در این قسمت مطالب عیناً نقل می‌شود تا از هرگونه ظن دخل و تصرف و سوء برداشت جلوگیری شود:

- "خلیفه بغداد در سال ۹۰۶ هدایایی شامل بیست طاقه پارچه زربفت، هفت شاهین، هفت باز و یک چادر ابریشم با همه مخلقات آن، از یک شاهزاده اروپایی دریافت کرد"^۴ (رازبهوی، ۱۳۷۹: ۱۸۶).
- جانوران بیگانه قسم دیگر از هدایای شرقی است که مایه شگفتی اروپاییان بود. در سال ۹۰۶ میلادی خلیفه قرطبه (کوردوبا) در آندلس اسپانیا تعدادی شیر، شتر، میمون و شترمرغ که تا آن زمان در شمال اروپا ناشناخته بودند، به دربار اوتون^۵ پادشاه آلمان فرستاد. این رسم در قرون بعد هم ادامه داشت. در مدینه‌الزهرا در قرن دهم میلادی از باغ وحشی در این شهر سخن به میان آمده است. همچنین داستان‌های مربوط به جانوران مندرج در کلیله و دمنه، که اصل هندی دارند، در اواخر قرن دهم میلادی در جنوب ایتالیا از عربی به یونانی ترجمه شده بود (نک. همان).
- اگرچه این نوع هدایا در زمره هنرهای صناعی نمی‌گنجد اما به نظر می‌رسد ارسال حیوانات در قرون مختلف به عنوان هدایا و تلاش برای شناخت ابعاد جانورشناختی حیوانات از خلال ترجمه کتب نقشی بسیار مهم در گرایش به طبیعت‌گرایی هنرمندان اروپایی داشت؛ "هنرمند اواخر قرون وسطی با لذت به نظاره جزئیات واقعی طبیعت می‌پردازد" (کلارک، ۱۳۷۰: ۲۵) و طبیعت‌گرایی را وارد نقاشی قرون وسطی می‌کند البته تأثیر آن در دوران گوتیک بسیار نمایان تر است.

اروپا منتقل شده‌اند. از آنجا که هدف در این قسمت معرفی تکنیک آثار نبوده لذا آثاری معدود با برخورداری از ویژگی‌های موردنظر این مقاله معرفی می‌شود.

در قرن دهم میلادی تنگ‌های دسته‌دار کریستال ممتاز مزین به تصاویر پرندگان یا حیوانات تخیلی به عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های هنر فاطمی در سرزمین‌های غرب حضور داشت. "این قطعات در دوره بین سال‌های ۹۷۳م. و ۹۸۲م. به گنجینه‌های کلیساهای اروپایی وارد شده‌اند" (اتینگهاوزن و گرابر، ۱۳۸۱: ۳۴۷). یک ظرف در گنجینه سن مارک و نیز وجود دارد که به گواه خط نوشته آن (برکه من الله للإمام العزیز بالله) متعلق به سده دهم میلادی است (رایس، ۱۳۷۵: ۱۰۱)؛ (تصاویر ۱ و ۲).

از دیگر آثار که همچون تنگ‌های دسته‌دار سنگ بلور راه به گنجینه‌های کلیساهای جامع غرب راه پیدا کردند منسوجاتی هستند که به عنوان «طراز» شهرت دارند. این بافته‌ها خط‌نوشته‌ای دارند که یا نام خلیفه اسلام را عرضه می‌کنند و یا آنکه وقف در

نمونه آثار اسلامی در گنجینه‌های مسیحی

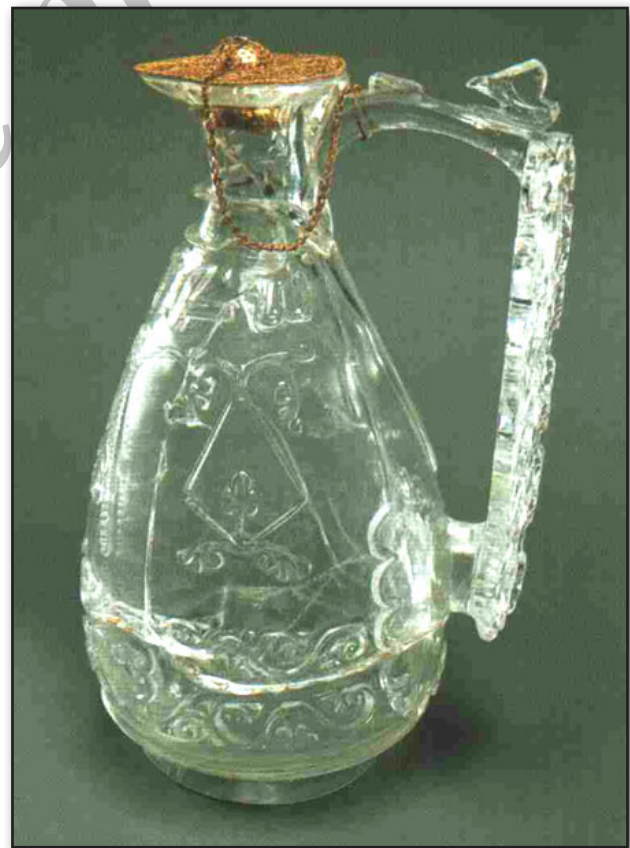
آنچه امروز از نمونه آثار منتقل شده به اروپا می‌توان یافت در گنجینه‌های مسیحی نگهداری می‌شوند که شاید ریشه در همان قدرت کلیسا در قرون وسطی داشته باشد که همه چیز حتی هدایا و کالاهای وارداتی می‌توانست تحت سیطره و مالکیت آنها باشد. در بررسی منابع تاریخی و مقالات مورد مطالعه دقت شد آثاری معرفی شوند که در آنها اشاره‌ای مستقیم به حضور آنها در اروپا در قرن مورد نظر داشته باشند. اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت ضعف مستندنگاری به دنبال عدم توجه مورخین هنر و باستان‌شناسان به مقوله انتقال آثار است. چراکه در خصوص این آثار لازم است دو تاریخ، یکی تاریخ و محل ساخت اثر و دیگری تاریخ انتقال و محل آن ذکر می‌شود تا استناد به آن خالی از اشکال باشد. اما متأسفانه این نقیصه در شرح این آثار چه در منابع داخلی و چه در منابع خارجی دیده می‌شود و تنها تاریخ ساخت اثر به طور دقیق ذکر می‌شود و دقیقاً معلوم نیست این آثار در چه زمان مشخصی به



تصویر ۱. ابریق العزیز بالله. گنجینه سن مارک ونیز. قرن دهم میلادی.

مأخذ : www.qantara-med.org

Fig. 1. Aziz Billah ewer. Treasure of St. Mark in Venice. Tenth century AD. Source: www.qantara-med.org



تصویر ۲. ابریق. گنجینه سنت دنیس پاریس. قرن دهم میلادی.

مأخذ : www.iosminaret.org

Fig. 2. Ewer. Treasure of St. Denis in Paris. Tenth century AD. Source: www.iosminaret.org

(۱) این ظروف در کارگاه‌های ایران درست شده و سپس از طرق مختلف هدایا، غنیمت، کالای تجاری یا غیره به آنجا رفته است و (۲) در کارگاه‌های محلی تولید شده است که البته نگارنده با احتمال اول موافق‌تر است (طاهری، ۱۳۸۹: ۴۶).
از آنجایی که این ظرف از مجارستان کشف شده و مجارها قبل از اینکه توسط اوتوی اول سرکوب شوند در قرن دهم قومی متجاوز بودند لذا بعید به نظر می‌رسد چنین ظرفی با چنین تکنیک بالایی در ساخت و تزیین توسط ایشان تولید شده باشد. نگارندگان این مقاله نیز با احتمال اول موافق هستند (تصویر ۴).

راه خدا بوده است. به عنوان مثال «پوشش سنت آن» در واکلوز خط‌نوشته‌ای دارد که نشان می‌دهد در دمیاط واقع در ناحیه دلتای نیل در ۹۰۶-۹۰۷ م. (دوران فاطمی) بافته شده است (همان: ۱۰۶)؛ (تصویر ۳). اگرچه نمونه‌های زیادی از پارچه‌های طراز وجود دارد اما به دلیل ضعف مستندنگاری که پیشتر صحبت آن به میان آمد از ارایه آنها خودداری شد.

«علیرضا طاهری» در مقاله «نقوش "حیوان-گیاه" در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر اسلامی و هنر رومی وار فرانسه» اشاره به ظرف نقره‌ای مربوط به قرن دهم در اروپای مرکزی می‌کند. نگارنده مقاله در خصوص منشأ تولید این ظرف دو احتمال را مطرح می‌کند:

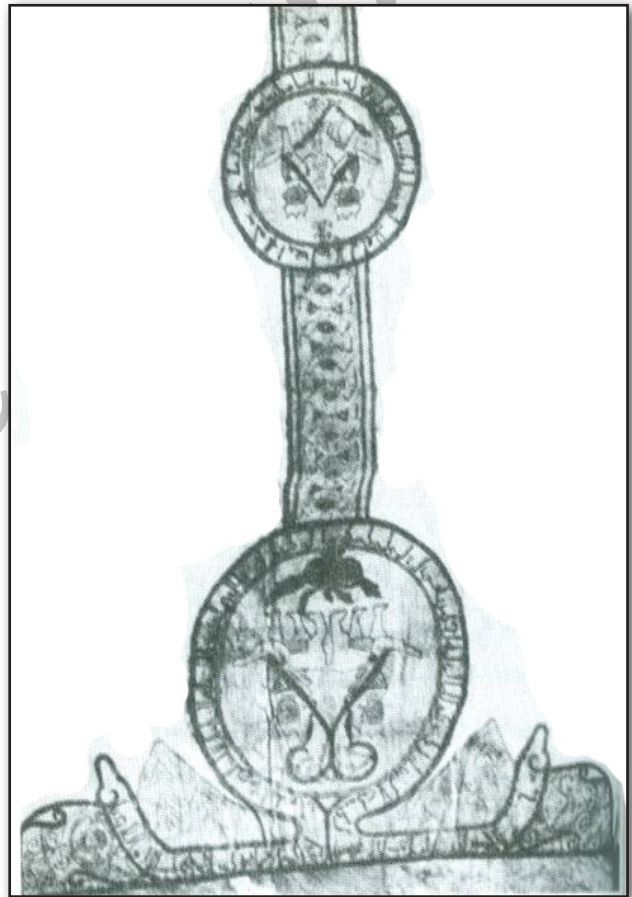


تصویر ۴. سینی نقره‌ای قرن دهم میلادی، اروپای مرکزی، مجارستان.

مأخذ: depts.washington.edu

Fig. 4. Silver tray of the tenth century, Central Europe, Hungary.

Source: depts.washington.edu



تصویر ۳. پوشش سنت آن. دوره فاطمی. ۹۰۶-۹۰۷ م. مأخذ: رایس، ۱۳۷۵: ۱۰۷.

Fig. 3. Cover of St. Anne. Fatimid period. 906-907 AD.

Source: Rice, 1996: 107.

نتیجه گیری

به گواه آثار و تحقیقات پژوهشگران تاریخ هنر و تمدن، تأثیر اسلام و هنر آن بر اروپای قرون وسطی انکارناپذیر است. اگرچه در بسیاری از قرون این دوران تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در همان قرن به وقوع می پیوسته و بسیاری از تحقیقات و مقالات وجود دارد که به مطالعه تطبیقی آنها به ویژه در خصوص بررسی های تکنیکی و نقش مایه های آثار هنری پرداخته اند، اما در خصوص آثار هنری اسلامی در قرن چهارم هجری و مقایسه آن با آثار هنری اروپا در همان قرن یعنی قرن دهم میلادی تحقیقی صورت نپذیرفته و حتی اشاره ای نیز به آنها نشده است. با بررسی وضعیت اروپا در قرن دهم میلادی که از وضعیتی ناپایدار و هرج و مرج رنج می برد تصور وجود کارگاه های تولید صنایع هنری که هنرمندان بخواهند اصولی را در خلق آثار هنری از سرزمینی دیگر همچون سرزمین های اسلامی مورد محاکات قرار دهند تقریباً بعید به نظر می رسد؛ چنانکه نگارندگان این مقاله با توجه به منابع موجود و قابل دسترس حتی یک نمونه مصداق پیدا نکردند.

در کتب و مقالات بیشماری تنها به تأثیر آثار اسلامی در قرن چهارم بر اروپا بدون ذکر مصداق های آن اشاره می شود اما این تأثیرپذیری ها در قرون بعدی نمود پیدا می کند که به احتمال می تواند با وضعیت نابسامان اروپا در قرن دهم و در مقابل، وضعیت پایدار قرون بعدی در ارتباط باشد. در واقع در اروپای غربی قرن دهم کشمکش بر سر قبول برتری سرزمین های اسلامی در حوزه های مختلف وجود دارد و تنها از قرن یازدهم به بعد است که تمایل به بهره گیری از دستاوردهای مسلمان در سطح خلق آثار هنری به وجود می آید. آثار هنری اسلامی قرن چهارم هجری به صورت هدایا و از راه تجارت راه خود را به اروپای غربی باز کردند و بسیاری از آنها در گنجینه های کلیساهای مسیحی نگهداری می شدند و تا امروز نیز همچنان باقی هستند.

همچنین در بین متون مورد بررسی نشانی از محاکات در خلق هنرهای صناعی اسلامی میان صنعت گران اروپایی وجود ندارد و ترجیح پادشاهان، اشراف و شوالیه ها بر استفاده از آثاری است که در سرزمین های اسلامی تولید شده اند. نکته حایز اهمیت این است که می توان گفت آثار اسلامی در قرن چهارم از طریق تجار و هدایای خلفای اسلامی به سرزمین غرب راه یافتند و دیگر راه های انتقال همچون ترجمه کتب و جنگ به ویژه جنگ های صلیبی از قرن یازدهم به بعد و آن هم در سایر حوزه ها بوده که مؤثر است. در قرن چهارم هجری پارچه های طراز و ابریشمی، پوشش کفن، شیشه و تنگ های بلور کوهی و ظروف نقره ای از جمله آثار اسلامی است که در قرن دهم میلادی به اروپا راه یافتند و میان طبقات بالای جامعه اروپای آن دوران پر طرفدار بودند.

پی نوشت ها

1. منظور نگارندگان این مقاله از هنرهای صناعی، آن دسته از صنایع دستی است که تولید آنها ابتدا مبتنی بر صنعت و به دنبال آن تأمین نیاز بوده و در وهله بعد خلاقیت و ذوق به آنها وجهه هنری بخشیده است. به عبارت دیگر تولیدکننده این آثار در پی خلق اثر هنری به معنای امروزی نبوده که تنها تکیه بر ایده و خلاقیت هنرمند داشته باشد.
2. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی کلاسی دوره دکتری پژوهش هنر دانشگاه الزهراء مبنی بر تأثیر هنر اسلام و غرب در قرون متقارن است که هر قرن به یکی از دانشجویان واگذار و مقرر شد تنها به بررسی همان قرن پرداخته شود. این نوشتار قرن چهارم هجری/ دهم میلادی را مورد بررسی قرار داد بدون آنکه بخواهد از تأثیرات دوره های پیشین و تأثیرگذاری بر قرون بعد سخن به میان آورد.
3. «یناس حسنی» نویسنده کتاب «أثر الفن الاسلامی علی التصویر فی عصر النهضه» (اثر هنر اسلامی بر نگارگری در عصر نهضت) است که در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات دارالجیل للنشر و الطباعة و التوزیع به چاپ رسیده است. مقاله راه های انتقال و تأثیر هنر اسلامی در اروپا ترجمه فصل سوم از این کتاب تحت عنوان «طرق انتقال و تأثیر الفن الاسلامی در اروپا» است.
4. به نظر نگارندگان جمله باید «به یک شاهزاده اروپایی داد» ترجمه می شد زیرا این اشیاء، کالاهایی مربوط به سرزمین های اسلامی هستند.
5. "اوتوی اول آلمانی با مجارها مبارزه کرد ... قبایل مجارستانی که در قرن دهم روانه اروپا شدند، نزد اوتوی اول، پادشاه آلمان رفتند (۹۷۳-۹۱۲). در سال ۹۶۲ م. زمانی که پاپ او را به مقام امپراتوری مقدس روم معرفی کرد، اوتوی اول جانشین شغلمون و قلمروش در اروپای غربی به امپراتوری مقدس روم شناخته شد" (لنگلی، ۱۳۹۰: ۷). چارلز بزرگ یا شلگمون (۸۱۴-۷۴۲) امپراتوری بزرگی را تشکیل داد که قسمت اعظم خاک کشورهای فرانسه و آلمان کنونی را در بر می گرفت. او یک رهبر مسیحی بزرگ و جنگجوی ماهری بود (همان).
5. تیراز یا طراز کلمه عربی بوده که در اصل از واژه پارسی ترازیدن (سوزن دوزی کردن) نشأت گرفته است، برای تشریح لباس، ردای تجلیلی یا ردای عزت و افتخار بکار می رفته است. طراز به کتابت و خطی گفته می شود که نساجان بر پارچه می نگارند و به سبب همین حاشیه کتیبهای، پارچه آن به طراز معروف شده است. طراز نوعی پارچه بود که حاشیه ای مشتمل بر نوشته، به صورت بافته یا گلدوزی شده آن را زینت می داد و در لباس دیوانیان و دستگاه امرا و سلاطین از آن به وفور استفاده می شده است (علی نژاد اسبویی، ۱۳۹۰: ۷۱).
6. نوعی از رداء که عربان و خطیبان و قاضیان بر دوش اندازند (سایت لغتنامه دهخدا).

فهرست منابع

- آل علی، نورالدین. ۱۳۷۰. اسلام در غرب، تاریخ اسلام در اروپای غربی. تهران: دانشگاه تهران.
- اتینگهاوزن، ریچارد و الگ گرابار. ۱۳۸۱. هنر و معماری اسلامی. ت: یعقوب آژند، تهران: سمت.
- جان احمدی، فاطمه. ۱۳۷۸. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: دفتر نشر معارف.
- جنسن، هورست و ولدمار. ۱۳۵۹. تاریخ هنر. ت: پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- حسنی، ایناس. ۱۳۸۹. راه‌های انتقال و تأثیر هنر اسلامی در اروپا (۱). ت: بی‌نا. قابل دسترس در <http://www.islamicartz.com/story/evwpMWZUDn5Ucvl69oJhLPuUOPxoRjib3I44IFKxtyY> تاریخ مراجعه ۹۲/۱۲/۲۰
- رازبهوی، ر. آجی. ۱۳۷۹. تأثیر مشرق‌زمین بر هنر غرب. ت: مشیت علایی، مجله زیباشناخت، (۳ و ۲): ۱۶۹-۲۰۸.
- رایس، دیوید تالبوت. ۱۳۷۵. هنر اسلامی. ت: ماه ملک بهار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایس، دیوید تالبوت. ۱۳۸۴. هنر بیزانس. ت: رقیه بهزادی و ماندانا علیپور، تهران: قطره.
- شارب، جان. ال. ۱۳۸۲. کتاب و کتاب‌سازی در جهان اسلام. ت: عباس احمدوند، مجله آئینه پژوهش، (۸۱): ۲-۸.
- طاهری، علیرضا. ۱۳۹۲. نقوش "حیوان-گیاه" در هنر ساسانی و تأثیر آن بر هنر اسلامی و هنر رومی وار فرانسه. مجله هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، ۱۸ (۲): ۴۳-۵۲.
- علی‌نژاد اسبویی، زهرا. ۱۳۹۰. کارکردهای فرهنگی و سیاسی طراز در دوره سلجوقی. مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، ۳ (۹): ۸۷-۶۹.
- فرهنگسرا (یساولی). ۱۳۷۱. سوابق تاریخی نقوش: تأثیر هنرهای اسلامی در تحول هنر اروپا. تهران: فرهنگسرا (یساولی).
- فنائی‌اشکوری، محمد. ۱۳۸۹. نگاهی گذرا به نقش اسلام در تمدن غربی. قابل دسترس در <http://www.tebyan.net/weblog/bah1359/post.aspx?PostID=151325> تاریخ مراجعه ۹۲/۱۲/۲۰
- کاشفی، محمدرضا. ۱۳۸۴. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- کلارک، کنت. ۱۳۷۰. سیر منظره‌پردازی در اروپا. ت: بهنام خاوران. تهران: ترمه.
- کونل، ارنست. ۱۳۴۷. هنر اسلامی. ت: هوشنگ طاهری. تهران: چاپخانه مشعل آزادی.
- گاردنر، هلن. ۱۳۸۴. هنر در گذر زمان. ت: محمدتقی فرامرزی. تهران: آگه.
- لنگلی، اندرو. ۱۳۹۰. اروپا در قرون وسطی. ت: معصومه زارع. تهران: سبزان.
- لوکاس، هنری. ۱۳۷۶. تاریخ تمدن. ت: عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.
- متر، آدام. ۱۳۸۸. تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ت: علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- مونتگومری وات، ویلیام. ۱۳۷۸. تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی. ت: حسین عبدالحمیدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره.
- هونکه، زیگرید. ۱۳۷۰. فرهنگ اسلام در اروپا. ت: مرتضی رهبانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یعقوبی، عبدالرسول. ۱۳۸۰. تعامل تمدن اسلام و غرب. مجله معرفت، (۴۵): ۳۱-۴۷.

Reference list

- Al-e Ali, N. (1991). *Eslam dar gharb, tarikh-e eslam dar orupa-ye gharbi* [Islam in the West, the history of Islam in Western Europe], Tehran: University of Tehran.
- Alinejhad Osbue, Z. (2011). Karkardha- ye farhangi va siyasi taraz dar dore-ye salhughi [cultural and political functions of Tiraz in Seljuk period], *Cultural history studies; research journal of Iranian society of history*, 3 (9): 69-87.
- Clark, K. (1991). *Landscape into art*, Translated from English by Khavaran, B. Tehran: Termeh. (Original work published in 1966).
- Ettinghausen, R. & Grabar, O. (2002). *Islamic Art and Architecture*. Translated from English by Ajhand, Y. Tehran: Samt. (Original work published in 1987)
- Fanai Eshkevari, M. (2010). *Negahi gozara be naghsh-e eslam dar tamadon-e gharbi* [A glance at the role of Islam in Western civilization], Available from: <http://www.tebyan.net/weblog/bah1359/post.aspx?PostID=151325> (Accessed 11 March 2013).
- Farhangsara (Yasavoli). (1992). *Savabegh- e Tarikhi- ye noghush: taasir- e honarha- ye eslami dar tahavol-e honar-e orupa* [historical records of motifs: the influence of Islamic art in the development of the art of Europe], Tehran: Yasavoli.
- Gardner, H. (2005). *Art through the ages*. Translated from English by Faramarzi, M. Tehran: Agah. (Original work published in 1936).
- Hasani, I. (2010). *Rahha-ye enteghalvataasir-ehonar-eeslami dar orupa (1)* [ways of transmission and influence of Islamic art in Europe], Available from: <http://www.islamicartz.com/story/evwpmWZUDn5Ucvl69oJhLPuUOPxoRJib3I44IFKxtyY> (Accessed 11 March 2013).
- Hunke, S. (1991). *Allahs Sonne über dem Abendland: unser arabisches Erbe* [Allah's Sun upon the Occident. Our Arab Heritage], Translated from German by Rahbani, M. Tehran: The Office of Dissemination of the Islamic Culture. (Original work published in 1960).
- Jairazbhoy, R. A. (2000). Oriental Influences in Western Art, Translated from English by Alae, M. *Journal of Zibashenakht*, (2&3): 169-208.
- Janahmadi, F. (1999). *Tarikh- e farhang va tamadon-e eslami* [history of Islamic culture and civilization], Tehran: Daftar-e nashr-e maaref.
- Janson, H. W. (1980). *History of art*. Translated from English by Marzban, H. Tehran: Sazman-e entesharat va amuzesh-e enghelab- e eslami (Original work published in 1962)
- Kashefi, M. (2005). *Tarikh- e farhang va tamadon-e eslami* [history of Islamic culture and civilization], Tehran: Makaz- e jahani-ye olum- e eslami.
- Kühnel, E. (1968). *Die Kunst des Islam* [The Art of Islam], Translated from German by Taheri, H. Tehran: Mashal- e Azadi. (Original work published in 1962)
- Langley, A. (2011). *Medieval life*. Translated from English by Zarea, M. Tehran: Sabzan. (Original work published in 1960).
- Lucas, H. S. (1997). *A short history of civilization*. Translated from English by Azarang, A. Tehran: Keihan. (Original work published in 1943).
- Mez, A. (2009). *Die renaissance des Islams* [The renaissance of Islam], Translated from German by Qaragozloo, A. Tehran: Amir Kabir. (Original work published in 1922).
- Montgomery Watt, W. (1999). *The Influence of Islam on Medieval Europe*, Translated from English by Abdolmohammadi, H. Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute. (Original work published in 1972).
- Rice, D. T. (1996). *Islamic art*, Translated from English by Bahar, M. Tehran: Sherkat-e Entesharat-e Elmi va Farhangi (Original work published in 1985)
- Rice, D. T. (2005). *Byzantine Art*, Translated from English by Behzadi, R. & Alipour, M. Tehran: Qatreh (Original work published in 1935).
- Sharp, J. L. (2003). *Books and bookmaking*, Translated from English by Ahmadvand, A. *Journal of Ayenehe Pazhoohesh*, (81): 2-8. (Original work published in 1998).
- Taheri, A. (2013). The images of "Animal-Plant" in the Sassanid Arts and their influence on Islamic Arts and Romanesque in France, *Journal of Honar-ha-ye Ziba-Honar-ha-ye Tajasomi*, 18(2): 1-14.
- Wiener, L. (2002). *Contributions toward a History of Arabico-Gothic Culture*. New Jersey: Gorgias Press LLC.
- www.loghatnaameh.org
- Yaaghubi, A. (2001). Taamol- e tamadon- e eslam va gharb [Interaction civilization of Islam and the West]. *Journal of Maarefat*, (45): 31-47.

Transfer of the Handicrafts of Islamic lands from the fourth century AH to Western Europe in the tenth century AD

Abolghasem Dadvar*

Padideh Adelvand**

Abstract

Medieval European territories were the victims of barbarism, wars, rivalries and Competitions of knights and nobility in the tenth century and did not have the relative safety. They always tried to establish independent states and peasant movements to resist the invaders and defeat them in order to enjoy a stable condition. Historians remind the tenth century as the last period of “Recess”. Europe had adverse conditions economically, politically, religiously, socially, culturally and academically in these centuries. Since the Islamic lands spent Renaissance and their prosperity in the fourth century, this period is interpreted “Islamic Renaissance”. The period that the Muslims in all areas of modern civilization (such as science, culture, industry and the arts) were renowned and expert. Impartial researchers in the field of the history of civilization, especially the history of Islam and Europe emphasize on the impact of Muslims’ achievements on Europe in various fields such as art, in the fourth century AH. With this background, the paper sought to trace the artifacts in the museum’s works and books published in the field of history of civilization and history of art and faced with impressibility of Islamic art of the fourth century AD. Hence, the paper aims to examine the influence of Islamic art in Western Europe in the fourth century and answer to the question that what is the reason of the lack of European art works influenced by the characteristics of Islamic art in the tenth century. The works and research of scholars of art history and civilization is a witness of influence of Islam and its art on Medieval Europe. Although the impact and the impressibility are occurred in many centuries and there are many researches and articles that have focused on comparative study of them in particular regarding technical studies and Motifs of artworks, but there has not been a research about Islamic artwork and its comparison with Europe artwork in forth century and it has not been even mentioned. Studying the status of Europe in the tenth century AD that suffered from unstable and chaotic status, the imagination of the existence of art manufacturing workshops almost seems unlikely that artists want to resemble the basics in creating artworks from the another land such as Islamic lands. The authors of this article did not find a true example according to the available resources. The impact of Islamic works on Europe in the fourth century is mentioned in many books and articles, but these impressibilities can be utilized in the next centuries that will likely be associated with poor state of Europe in the tenth century and in contrast its stable condition of following centuries. In fact, there was the struggle over the superiority of the Islamic lands in various fields in the tenth century in Western Europe and only from the eleventh century onwards, the utilization of Muslims achievements in the creation of artworks is created. Islamic artworks from the forth century went to Western Europe by trade and many of them were kept in treasures of Christian churches and have remained until now. In addition, there is not any sign of resembling in studied texts in creating Islamic handicrafts between European artisans and the preference of kings, nobles and knights is to use the works that have created in Islamic lands. It is important to note that the Islamic works were transferred to the west by businesspersons and the gifts of Islamic caliphs in the forth century and other ways of transferring such as translation and war, especially the Crusades were effective in the eleventh century and onwards. Silk fabrics, Shroud cover, glass and crystal bowls and silver dishes are Islamic works in the forth century that were transferred to Europe I tenth century and were popular among the upper classes of Europe. Therefore, it seems that the Islamic works of the fourth century AH are moved to Europe in the tenth century AD by commercial and the gifts of the Islamic Caliphates to kings, nobles and knights.

Keywords

Islamic art of the fourth century AH, Tenth century Europe, The transfer of Islamic works, Gifts and commerce.

*. Ph. D. in History of Civilization, Associate Professor , Alzahra University. ghadadvar@yahoo.com

** Ph. D. Candidate in Art Research, Alzahra University, Tehran, Iran. corresponding author. padideh_adelvand@yahoo.com.